

هو الظاهر باسمه القيوم

ان يا قلم الأعلى نحبت ان نذكر من فاز بأنوار الوجه اذ كان خلف الحجاب انه ممن فاز بلقاء الله اذ ماج بحر الوصال في الزوراء امراً من لدى الله العزيز العلام قد خرج من بيته مقبلاً الى الأفق الأعلى الى ان دخل و سمع و فاز بما كان موعوداً في كتب الله الغني المتعال

يا كمال ان افرح بما يذكرك المظلوم من شطر السجن بما يجذبك الى مقام القرب و القدس و الجمال ان انظر ثم اذكر اذ كنت حاضراً لدى العرش و سمعت نداء مكلم الطور الذي اذ اتى من سماء الأمر نطقت الأشياء قد اتى مالك يوم المعاد ان افرح بهذا الفضل الأعظم لعمر الله لا تعادله كنوز العالم يشهد بذلك من كان راكباً على السحاب و ماشياً على مشارف الأرض بقدرة و سلطان

كمال اليوم مقامات عنايات الهی مستور است چه که عرصه وجود استعداد ظهور آن را نداشته و ندارد ولكن سوف يظهر امراً من عنده انه لا تضعفه قوة الجنود و لا سطوة الملوك ينطق بالحق و يدع الكل الى الفرد الخبير جميع از برای اصلاح عالم خلق شده اند لعمر الله شئون درنده های ارض لایق انسان بوده و نیست شأن انسان رحمت و محبت و شفقت و بردباری با جميع اهل عالم بوده و خواهد بود بگو ای دوستان این کوثر اصفی از اصبع عنایت مالک اسماء جاری بنوشید و باسمش بنوشانید تا اولیای ارض بیقین مبین بدانند که حق از برای چه آمده و ایشان از برای چه خلق شده اند

مراسلات شما در این ایام رسید و جميع در ساحت اقدس عرض شد و بالطاف و عنایت مظلوم آفاق فائز شدی امروز استقامت از اعظم امور لدى الله بوده چه که مظاهر ظنون و مطالع اوهام در صدد اضلال عباد بوده و هستند بگو ای دوستان سلسبیل استقامت که از معین کلمات الهی جاری و ساریست بگیرید و باسمش بیاشامید تا خود را دارای مقامی مشاهده نمائید که اگر کل عالم بجمع کتب و زبر و صحف ظاهر شوند معدوم صرف مشاهده نمائید كذلك نطق اللسان فی ملکوت البیان لتشکر ربک العليم الخبير

البهَاء علیک و علی ابنائک و اختیک و علی اللائی آمن بالله العلی العظیم مخصوص دوستان آن ارض از سماء مشیت الواح بدیعہ منیعہ نازل انشاء الله برسد و آن فائز شوند البهَاء للمخلصین الثابتین و النور للسامعین الراسخین